فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۰(۱(پیاپی ۳۷))، ۱۰۵-۸۵
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Civilica، RICeST، Ensani
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و کارکرد ساختار شبکه روابط بین سازمانی در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (موردمطالعه: محله قائمیه شهر اصفهان)

سمیرا شاهین* کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
داریوش مرادی‌چادگانی استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

چکیده: در ساختار مدیریت شهری، توسعه تعاملات و ارتباطات درون و بین سازمانی، به ارتقای عملکرد سازمانی می‌انجامد و راهکاری برای رفع ناکارآمدی‌های مدیریت شهری ناشی از تعدد سازمان‌ها و ناهماهنگی‌های بین سازمانی در پاسخ به مشکلات و چالش‌های شهری است. به‌منظور هماهنگی بین سازمانی بر پایه توسعه ارتباطات بین سازمانی در سیستم مدیریت شهری، تحلیل شبکه روابط بین سازمانی به‌گونه‌ای که علاوه‌بر شناخت و تحلیل نحوه ارتباط سازمان‌ها با یکدیگر، امکان شناسایی و تحلیل انگیزه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی این روابط بین سازمانی را نیز در راستای تحقق اهداف توسعه شهری و سازمانی فراهم کند، ضرورت دارد. ازاین‌رو، هدف پژوهش حاضر، دستیابی به علل مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی و تحلیل شبکه‌ای روابط در راستای افزایش هماهنگی بین سازمانی در جهت تسهیل فرایند تحقق اهداف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری بافت ناکارآمد محله قائمیه واقع در منطقه ۱۳ شهر اصفهان می‌باشد. از این منظور، یک پژوهش کاربردی و استقرایی براساس مراحل سه‌گانه توصیف، تحلیل و تجویز در دستورکار قرار گرفت که در آن از فنون و روش‌های کمی و کیفی (چون تحلیل ذی‌نفعان بر پایه ماتریس قدرت- نفوذ و تحلیل عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی و تحلیل شبکه روابط بین‌سازمانی)، استفاده شد. نتایج پژوهش نشان دادند در درون شبکه روابط بین سازمانی شکل‌گرفته برای پیشبرد اهداف برنامه نوسازی و بهسازی محله قائمیه، مهم‌ترین و فعال‌ترین سازمان‌ها به ترتیب معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان، سازمان نوسازی و بهسازی و شهرداری مرکزی اصفهان می‌باشد. همچنین مهم‌ترین عوامل سببی (دلایل و انگیزه‌های) مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی به ترتیب اهمیت شامل تبادل اطلاعات، وجود پروژه‌های محرک توسعه، پشتیبانی از تحقق اهداف مشترک، پشتیبانی از تحقق ارزش‌های مشترک، به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی و نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها می‌باشند. در واقع فعال‌ترین سازمان‌ها می‌توانند با تقویت اصلی‌ترین دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری روابط بین سازمان‌های درگیر در برنامه نوسازی و بهسازی محله قائمیه، هماهنگی بین خود را در راستای تحقق اهداف این برنامه و تحقق‌پذیری آن افزایش دهند.

واژگان کلیدی: روابط بین سازمانی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، بهسازی، نوسازی، بافت فرسوده شهری، شهر اصفهان

* نویسنده مسئول: s2014shahin@gmail.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

۱- مقدمه

امروزه توجه به بهبود فضای زیستی در نواحی ناکارآمد و فرسوده شهری، یکی از مباحث پیچیده و چندوجهی در حوزه شهرسازی و مدیریت شهری به‌شمار می‌رود. این بافت‌های شهری سرزنده و دارای عملکرد منطقی در سلسله‌مراتب گذشته، به دلیل گسترش شتاب‌زده شهرها، با مشکلات و محدودیت‌های کالبدی و اجتماعی فراوانی؛ از قبیل تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، نابرابری‌های اقتصادی،کمبود مسکن، ترافیک (سلیمانی مهرنجانی، ۱۴۰۰)، وجود ناهمخوانی بین کالبد و فعالیت و کمبود سرانه‌های کاربری‌های خدماتی مواجه می‌باشند. حل هر یک از این معضلات و مشکلات نیازمند تخصص‌های گوناگون افراد و سازمان‌های متعدد می‌باشد. به‌بیان‌دیگر، نوسازی و بهسازی بافت‌های ناکارآمد شهری نیازمند تلاش هماهنگ بازیگران با سازمان‌ها و ساختارهای متنوع و اهداف مختلف یا حتی متضاد می‌باشد. نکته قابل‌توجه درمورد این بازیگران، تنوع و تفاوت ساختاری، مدیریتی، مالکیتی، مأموریت‌ها و اهداف متفاوت آن‌ها می‌باشد (Hassan, 2012) که از سازمان‌های دولتی دارای ساختارهای بوروکراتیک و تمرکزگرا با مدیریت دولتی و مأموریت حاکمیتی، سازمان‌های عمومی با ساختار نیمه‌شورایی و با مأموریت خدماتی، سازمان‌های مردم‌نهاد با مأموریت غیرانتفاعی و ساختار شورایی تا شرکت‌های خصوصی با مأموریت انتفاعی و مدیریت متمرکز را دربرمی‌گیرد (Biermann & Koops, 2017).

کلان‌شهر تاریخی اصفهان نیز به دلیل داشتن تقریباً ۲۰ درصد از سطح شهر به بافت‌های فرسوده و همچنین اسکان یافتن نزدیک به ۳۰ درصد از جمعیت شهر در این بافت‌ها، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در این میان، یکی از ناکارآمدترین محلات شهر اصفهان که با وجود تهیه برنامه‌های متعدد در راستای بهبود وضعیت آن، هنوز هم با مشکلات فراوانی مواجه است محله قائمیه می‌باشد که بخشی از ریشه در ناکارآمدی و ناهماهنگی روابط بین سازمانی در محیط عملیاتی نوسازی و بهسازی دارد.

براساس تحقیقات و با توجه به کاستی‌های موجود در روش‌ها و مدل‌های استفاده شده برای ایجاد هماهنگی بین سازمانی در راستای تحقق اهداف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، خلاءهای موجود در مطالعات پیشین عبارتند از: عدم‌توجه کافی به نقش و ارتباط تصمیم‌گیرندگان سیستم مدیریت شهری (سازمان‌ها و روابط بین آن‌ها) در برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، عدم‌توجه کافی به استفاده از قابلیت‌های روش تحلیل شبکه به‌عنوان روشی کارآمد در شبیه‌سازی نزدیک به واقعیت روابط بین‌سازمان‌های درگیر در حل معضلات بافت‌های شهری ناکارآمد و عدم‌توجه به ضرورت تحلیل الگوی موجود روابط بین سازمانی به‌عنوان پیش‌نیاز دستیابی به الگوی ایجاد هماهنگی بین سازمانی در راستای حل معضلات بافت های شهری ناکارآمد. با توجه به کاستی‌های بیان شده در مطالعات انجام‌شده، در این پژوهش از قابلیت‌های روش تحلیل شبکه برای ترسیم و تحلیل الگوی فعلی روابط بین‌سازمانی استفاده شده است تا بتوان بر پایه این تحلیل‌ها، فرایند تحقق اهداف بهسازی و نوسازی شهری را تسهیل کرد. از این رو این مقاله درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱- ذی‌نفعان کلیدی (سازمان‌های اصلی) در محیط عملیاتی نوسازی و بهسازی محلهٔ قائمیه اصفهان کدام هستند؟

۲- انگیزه‌های شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی در راستای تحقق اهداف نوسازی و بهسازی محله قائمیه اصفهان کدامند؟

۳- شبکه روابط بین‌سازمانی در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان چه ویژگی‌هایی دارد و عناصر و اجزای آن چیست ؟

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

کیم[۱] و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه‌وتحلیل شبکه‌های اجتماعی بازسازی شهری جانگ وی[۲]» بیان می‌کنند که تغییر جهت اداری به‌سوی بازآفرینی شهری در کره جنوبی منجر به بررسی جنبه‌های اجتماعی پایداری برای مناطق پروژه می‌شود. این مطالعه گذشته‌نگر، از تحلیل شبکه‌های اجتماعی برای ترسیم نحوه تشکیل جامعه بازسازی شهری طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۵ استفاده کرد. هدف از این مطالعه، شناسایی ویژگی‌های ساختاری این شبکه از نظر روابط و پیوند اجتماعی است. نتایج پژوهش حاکی از افزایش سطح تبادلات اجتماعی می‌باشد.

لویتز[۳] و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل شبکه روابط بین سازمانی و استفاده از سیاست در بین سازمان‌های فعال موجود در آلبرتا[۴]، کانادا»، درصدد تهیه تصویر مختصری از بودجه، هماهنگی و مشارکت بین سازمان‌های فعال ایالتی در آلبرتا و نیز آگاهی و استفاده از سیاست ایالتی و استراتژی ملی توسط سازمان‌ها موردبررسی بودند. بدین منظور، سازمان‌های فعال ایالتی را در رابطه با بودجه، هماهنگی و مشارکت با سایر افراد شبکه مورد پرسش قرار داده و از تحلیل شبکه اجتماعی برای بررسی ساختار شبکه و موقعیت هر سازمان فعال استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از این می‌باشد که افزایش روابط رسمی و غیررسمی بین سازمان‌ها و ادغام سازمان‌های نامربوط یا محیطی می‌تواند ظرفیت شبکه برای ترویج زندگی فعال در آلبرتا را افزایش دهد. استفاده از سیاست در داخل شبکه زیاد است و به نظر می‌رسد که توسط مرکزی‌ترین سازمان فعال موجود تسهیل شده است. ترویج استفاده از سیاست از طریق یک سازمان مرکزی، یک استراتژی مؤثر برای گسترش سیاست فعالیت فیزیکی در سطح ایالت است و می‌تواند به‌عنوان راهبرد سیاست‌گذاری توسط سایر مناطق در نظر گرفته شود.

بیسری و بنیا[۵] (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نظارت بر نوآوری‌های مشارکتی از طریق تجزیه‌وتحلیل شبکه‌ای بین سازمان‌ها درخصوص واکنش اضطراری به زلزله و سونامی بزرگ ۲۰۱۱ شرق ژاپن»، به مدل‌سازی شبکه‌های بین سازمانی در هنگام پاسخ اضطراری به زلزله بزرگ و سونامی ژاپن با استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سیستم مدیریت بحران ژاپن دارای محدودیت‌هایی؛ از قبیل فقدان طرح ملی جامع پاسخگویی به بحران، عدم‌توانایی و عدم‌تمایل وزارتخانه‌ها برای به اشتراک‌گذاشتن برنامه‌های خاص سازمان و منابع محدود می‌باشد. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم نیز مربوط به توانایی دولت‌های محلی منطقه آسیب‌دیده برای هماهنگی با بازیگران متعدد در واکنش اضطراری به فاجعه بوده است. بااین‌وجود، برخی از مکانیزم‌ها و اقدامات نیز به‌درستی انجام گرفتند؛ مانند توافق دولت‌های محلی که در واقع یک توافق از پیش تعیین‌شده بین دولت‌های محلی دور از هم برای کمک و حمایت از یکدیگر در زمان فاجعه بود. خروجی‌های کاربست تحلیل شبکه نیز بیانگر این امر می‌باشد که اصلی‌ترین بازیگران در واکنش اضطراری به این فاجعه؛ شامل دولت مرکزی ژاپن و سازمان‌های مردم‌نهاد ژاپنی، دولت استان می‌یاگی[۶]، وزارت امور خارجه، ریاست‌جمهوری، صلیب‌سرخ ژاپن، ارتش ژاپن و هیئت دولت و بازیگران فرعی صلیب‌سرخ آمریکا می‌باشد. علاوه بر این، سه عنصر هیئت دولت، دولت استان می‌یاگی و پلت‌فرم ژاپن به‌عنوان هسته اصلی شبکه مذکور می‌باشند.

1- Kim
2- Jangwi
3- Loitz
4- Alberta
5- Bisri and Beniya
6- Miyagi

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

الکساندرسکو[1] و همکاران (۲۰۱۶) مقاله‌ای با عنوان «تعبیه اجتماعی بازیگران بازآفرینی زمین‌های بایر شهری: بینش‌هایی از تحلیل شبکه‌های اجتماعی» انجام دادند. این مقاله با رویکرد ترکیبی شامل مصاحبه‌ها و تحلیل شبکه اجتماعی صورت گرفته است. شبکه اجتماعی از ذی‌نفعان با استفاده از سه شاخص تعبیه اجتماعی؛ شامل گنجاندن نسبی گروه‌های ذی‌نفع، میزان انسجام شبکه کلی در راستای اهداف بازسازی چندگانه و فاصله نسبی بین تصمیم‌گیرندگان و تصمیمات اتخاذشده بررسی شد. روش‌های مورداستفاده در این پژوهش دربرگیرنده یک مرحله اکتشافی (کیفی) و یک مرحله ارزیابی (کمی) می‌باشد. محققان در مورد اهداف تصمیم‌گیرندگان آگاه شدند و سپس از این دانش برای ارزیابی (نقشه و اندازه‌گیری) شبکه‌های اجتماعی ذی‌نفعان درگیر در بازسازی استفاده کردند. درنهایت این مقاله، ارزیابی اولیه از شبکه بازیگران بازآفرینی شهری در این منطقه ارائه و چندین روش کاربردی نیز به منظور تقویت مشارکت ذی‌نفعان در فرایندهای بازآفرینی از طریق ارتباطات بهبودیافته، معرفی کرده است.

ب) پژوهش‌های داخلی

افتخاری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل شبکه روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی روستایی مطالعه موردی: روستای اسلام‌رود در شهرستان طرقبه- شاندیز»، درصدد تحلیل شبکه روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی و بررسی میزان تحقق‌یافتگی این طرح براساس روابط بین‌سازمانی می‌باشند. در این راستا، ابتدا به منظور تعیین مرز اجتماعی شبکه در ابزار تحلیل شبکه‌های اجتماعی، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده و پس از بررسی سازمان‌ها در راستای شناسایی دقیق کنشگران شبکه، ۲۰ سازمان دخیل در طرح هادی روستای اسلام‌رود به عنوان مرز اجتماعی شبکه درنظر گرفته شد. سپس، با استفاده از انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تکمیل پرسشنامه توسط خبرگان سازمان‌ها، شدت روابط سازمانی و همچنین روابط تعاملی و تضاد مشخص شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میزان تحقق‌پذیری طرح، متوسط و تاحدی کم می‌باشد. علاوه‌براین، بیش از نیمی از پیوندهای شبکه در اختیار کنشگران مرکزی است که این امر بیانگر نقش برجسته‌تر آنان در مدیریت چالش‌ها می‌باشد.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در شبکه سازمانی با تأکید بر رویکرد تحلیل شبکه»، به بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در شبکه سازمانی پرداختند. از روش همبستگی از نوع معادلات ساختاری بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام کارکنان به جز اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۲۵۰ نفر) می‌باشد که از بین آنها ۱۴۱ نفر برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب گردید. پس از رسم گراف شبکه و تعیین موقعیت بازیگران، تحلیل شبکه بر اساس دو شاخص درجه مرکزیت و درجه مرکزیت بینابینی صورت گرفت. نتایج معادلات ساختاری نشان داد که منابع قدرت فردی به واسطه اطلاعات و منابع قدرت سازمانی به واسطه مرکزیت بر نحوه توزیع قدرت تأثیر می‌گذارند. نتایج تحلیل شبکه نیز نشان داد کنش‌گران کلیدی نسبت به سایر بازیگران دارای آزادی عمل بیشتری بوده و حضورشان در موقعیت‌های استراتژیک امکان دسترسی به اطلاعات دست اول و مدیران را برای‌شان فراهم می‌آورد.

بابایی و همکاران (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای در راستای تحلیل ساختار مشارکتی شبکه سازمانی متولی نوزایی بافت تاریخی گرگان انجام دادند. هدف اصلی تحقیق، تحلیل شبکه سازمانی مرتبط با مدیریت مشارکتی نوزایی در سطح بافت تاریخی گرگان است. بر این اساس پژوهش به دنبال شناسایی ویژگی‌های شبکه، تفسیر ساختار مشارکتی و تحلیل بازیگران این عرصه است. در این تحقیق، از راهبردهای توصیفی- تفسیری پژوهش در راستای الگوواره تحقیق عمل‌گرایی استفاده شده و برای

1- Alexandrescu

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل شبکه اجتماعی بر مبنای داده‌های رابطه‌ای میان سازمانی بهره گرفته شده است. همچنین برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر این موضوع بوده است که علی‌رغم تلاش دولت در ایجاد ستاد بازآفرینی و تأثیر آن بر شبکه نوزایی، همچنان شبکه نوزایی بافت تاریخی گرگان تحت تسلط ساختار سلسله‌مراتبی و بر اساس الگوی حاکمیت مرکزی است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که نوع رابطه میان سازمانی را می‌توان از نوع هماهنگی دانست که به دلیل روابط کوتاه‌مدت در راستای هماهنگی‌های سازمانی و اشتراک‌گذاری اطلاعات صورت می‌گیرد. با توجه به ویژگی‌های ساختار مشارکتی شبکه، این پژوهش بازیگران شبکه را در سه گروه بازیگران فعال، بازیگران بالقوه و بازیگران بی‌تفاوت، طبقه‌بندی کرده است.

عبدی دانشپور و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روابط بین سازمانی در مدیریت بحران در شهر اصفهان»، به تحلیل روابط بین‌سازمانی در مدیریت بحران نشت نفت خام در رودخانه زاینده‌رود در سال ۱۳۸۷ با استفاده از روش‌های بازبینی متون، تحلیل مستند متون نوشتاری، تحلیل محتوای متون حاصل از انجام مصاحبه و نیز اولویت‌بندی نقش سازمان‌ها، عوامل سببی روابط بین‌سازمانی، چارچوب نظری زیرکار و نوع روابط بین‌سازمانی در مدیریت بحران پرداختند. نتایج نشان دادند که بازیگران درگیر در بحران نشت نفت خام، نخست سازمان اصلی (مدیریت بحران استانداری اصفهان)، دوم سازمان‌هایی که نقش مؤثر داشتند (مانند شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، سازمان آب منطقه‌ای اصفهان، شرکت آب و فاضلاب شهرستان اصفهان) و سوم، سازمان‌های که نقش نسبتاً مؤثری داشتند، هستند. نوع روابط بین‌سازمانی در مدیریت این بحران از نوع اتحادیه تجاری است. چارچوب نظری برای تحلیل روابط بین‌سازمانی، به ترتیب رهیافت یادگیری سازمانی و رهیافت نهادی هستند که بر پایه آن‌ها امکان افزایش هماهنگی بین‌سازمانی و نیز افزایش توان مدیریت روابط بین‌سازمانی در مقابله با بحران فراهم می‌شود.

۳- مبانی نظری

روابط بین سازمانی، از عوامل ایجادکننده ارزش برای سازمان‌ها در یک محیط سازمانی همواره در حال دگرگونی می‌باشد. روابط بین سازمانی، ظرفیت‌هایی را برای ایجاد ارزش برای شرکای راهبردی تولید می‌کنند، بنابراین مدیران می‌توانند آن‌ها را به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی سازمان خود در نظرگیرند. اهمیت موضوع روابط بین‌سازمانی رو به رشد است؛ به طوری که محیط‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در پی افزایش توانایی مدیریت روابط بین‌سازمانی برای کسب یک مزیت رقابتی می‌باشند. مشارکت‌هایی از جنس روابط بین‌سازمانی به‌عنوان روشی سریع و انعطاف‌پذیر برای دستیابی به منابع مکمل در نظر گرفته می‌شوند که ممکن است هزینه‌ها و خطرات را به‌اشتراک بگذارند و امکان دسترسی به بازارهای جدید، ایجاد پس‌انداز اقتصادی، محدود کردن ورود رقیب و کسب دانش مشترک و مهارت‌ها را تسهیل کنند. بر این اساس، روابط بین‌سازمانی با توجه به روند فعلی و آینده جهانی و ادغام مراکز، صنایع و نهادها، برای سازمان‌ها اهمیت قابل‌توجهی دارند. این روابط خود را بر سازمان‌ها به‌عنوان قابلیت‌های استراتژیک تحمیل می‌کنند (Agrelos et al., 2021). بر اساس یک تعریف عینی‌تر، روابط بین‌سازمانی گونه‌ای نظم و ارتباط رسمی است که بر پایه همکاری بین دو یا چند سازمان مستقل و با اهداف راهبردی مختلف شکل می‌گیرند و دو دسته دارایی‌های ملموس یا ناملموس، دو یا چند سازمان مستقل را به‌منظور ایجاد ارزش‌افزوده مشترک در کنار هم گردآوری می‌کند. این روابط انواع فعالیت‌های هماهنگ سیاسی- اقتصادی بین سازمان‌های همکار هستند که متفاوت از روابط دیوانسالارانه و سلسله‌مراتبی بین سازمان می‌باشند و به شکل‌گیری روابط مبتنی بر

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

معاهده بین آن‌ها منجر می‌شوند. در روابط بین‌سازمانی درون‌داد و برون‌داد فعالیت‌های سازمان‌ها به‌صورت رسمی به‌اشتراک گذاشته می‌شود (عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵).

منظور از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی، عوامل سببی است که دلایل و انگیزه‌های یک سازمان برای برقرار کردن روابط بین‌سازمانی است و دلیل شکل گرفتن روابط بین‌سازمانی آن‌ها با سازمان‌ها یا شرکت‌های دیگر را توجیه می‌کند. این عوامل ریشه در چارچوب‌های نظری روابط بین سازمانی دارند و برگرفته از رهیافت‌هایی هستند که به‌منظور توصیف و تحلیل روابط بین سازمانی مورداستفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، سازمان‌ها، نیازها و انگیزه‌های خود برای شکل دادن روابط بین‌سازمانی را بر پایه عوامل سببی مورد ارزیابی قرار می‌دهند. برخی از مهم‌ترین عوامل سببی شکل‌گیری روابط بین‌سازمانی عبارتند از: کمیته ساختن هزینه‌های تولید و دادوستد کالا و خدمات، نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها، مهار منابعی که وابستگی سازمانی را کاهش یا افزایش می‌دهند، وابستگی متقابل برای تولید خدمات و کالا و فرایندهای تولید، حضور سازمان در عرصه یک فعالیت ویژه (یا در بازار)، تولید کالاها و خدمات جذاب، افزایش قابلیت‌های سازمانی برای چانه‌زنی در عرصه یک فعالیت ویژه یا بازار، ایجاد محدودیت برای سازمان‌های رقیب، کاهش خطرپذیری، دسترسی به مشتری‌های مشترک و دست‌اندرکاران، به‌هم‌پیوستگی منافع دست‌اندرکاران موجود، دستیابی به دانش مورد نیاز، افزایش توانایی جذب دانش سازمانی، عادی‌سازی همکاری‌ها (دور شدن از شرایط غیرعادی)، تقلید متناظر (تولید کالا و خدمات مشابه)، مشروعیت سازمانی، ایجاد همکاری با شرکت‌ها با سازمان‌های مشابه و ظرفیت جذب منابع (عبدی‌دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵).

تحلیل شبکه اجتماعی یک حوزه تحقیق بین‌رشته‌ای و هم یک تکنیک تحلیلی است (Helms et al., 2010) که در دهه ۱۹۳۰ برای مصورسازی، تحلیل و سنجش تعاملات اجتماعی در حوزه‌های روان‌شناسی و انسان‌شناسی مطرح شد. جامعه‌شناسان نیز با استفاده از این روش، الگوی رفتارهای اجتماعی در جوامع شهری و روستایی را بررسی کرده‌اند (عرفان‌منش و ارشدی، ۱۳۹۴). در دهه‌های بعد استفاده از مفاهیم تئوری گراف‌ها از حوزه ریاضیات و همچنین برنامه‌نویسی و نرم‌افزار از حوزه علوم رایانه، به تکامل بیشتر این روش منجر شد. هر شبکه از تعدادی موجودیت اجتماعی تشکیل شده است که با یکدیگر دارای نوعی آشنایی اجتماعی هستند. در ادبیات تحلیل شبکه به موجودیت‌های اجتماعی، گره و به ارتباطات موجود میان، پیوند یا یال گفته می‌شود؛ بنابراین روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی، مکان تشخیص و سنجش هر نوع رابطه میان موجودیت‌های مختلف افراد، سازمان‌ها و غیره را فراهم می‌کند (عرفان‌منش و مروتی اردکانی، ۱۳۹۵) و یکی از کاربردهای آن در تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری است. درمجموع می‌توان گفت که روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی به این سؤال پاسخ می‌دهد که ساختار روابط بین موجودات اجتماعی چگونه است و این ساختار چه تأثیری بر سایر پدیده‌های اجتماعی دارد؛ بنابراین اصلی‌ترین هدف این روش، کشف و تفسیر الگوی پیوندهای اجتماعی بین کنشگران است (Butts, 2008).

شیوه‌های گوناگونی برای مداخله در نواحی ناکارآمد و دچار افت شهری وجود دارد که از میان آن‌ها نوسازی و بهسازی به‌عنوان گونه‌ای از روش‌های مداخله برای بهبود وضعیت مطالعه موردی پژوهش انتخاب گردیده است. بهسازی؛ به معنی بهبود بخشیدن به وضعیت بافت و عناصر آن و مجموعه اقداماتی است که در زمینه کالبدی همنواخت با الگوی اولیه به حفاظت و نگهداری از بافت و عناصر آن می‌پردازد و در زمینه غیرکالبدی، به رونق‌بخشی حیات درونی آن کمک می‌کند (سلیمانی مهرنجانی، ۱۴۰۰). نوسازی شهری فرایندی پویاست و جنبه‌های گوناگون مداخلات کالبدی،

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی و محیطی را به‌منظور حل مشکلات پیچیده شهری از جمله نبود بهداشت، کمبود یا فرسودگی مسکن، حمل‌ونقل ناکافی و... دربر می‌گیرد. بررسی رویکردهای نوسازی شهری نشان می‌دهد که ابتدا این امر با تأکید بر ویژگی‌های کالبدی و پاک‌سازی زاغه‌ها انجام می گرفت. اما با گذشت زمان، نگاه کالبدی آن تغییر یافته و توان‌بخشی بافت‌های فرسوده در تمام ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، بازگشت به هویت شهری و اصالت‌بخشی به محله‌های شهری را مورد توجه قرار داده است (قاطعی کلاشمی و قاطعی کلاشمی، ۱۳۹۹).

بر اساس تلفیق چارچوب‌های نظری دو انگاشت تحلیل روابط بین سازمانی و نوسازی و بهسازی، سنجه‌ها و نشانگرهای (عوامل سببی) قابل استفاده جهت توصیف و تحلیل روابط بین سازمانی در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- معرفی سنجه‌های تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی

شاخص‌های حاصل از انکاشت روابط بین سازمانی	شاخص‌های حاصل از انگاشت بهسازی و نوسازی شهری
کمینه ساختن هزینه‌های تولید و دادوستد کالا و خدمات (Ranaei et al., 2010)	اعطای مشوق‌های مالی و غیرمالی به ساکنان (Kim et al., 2019)
نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها (Loitz et al.,2017)	جذب سرمایه‌های داخل و خارج بافت (Kim et al., 2019)
مهار منابع کاهش‌دهنده وابستگی سازمان (Ranaei et al., 2010)	مدیریت بهینه منابع (مالی و انسانی) (بابایی و همکاران، ۱۳۹۷)
مهار منابع افزایش‌دهنده وابستگی سازمان (Barringer & Harrison, 2000)	وجود پروژه‌های محرک توسعه (Alexandrescu et al., 2016)
وابستگی متقابل برای تولید خدمات و کالا (عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵)	به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی (Alexandrescu et al., 2016)
تبادل اطلاعات(عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵)	پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق ارزش‌های مشترک (Ranaei et al., 2010) در نوسازی و بهسازی
حضور سازمان در عرصه یک فعالیت ویژه (Barringer & Harrison, 2000)	پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق ارزش‌های مشترک (Ranaei et al., 2010) در نوسازی و بهسازی
تولید کالاها و خدمات جذاب(عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵)	تعهدپذیری ذی‌نفعان نسبت به تعهدات خود (عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵) در نوسازی و بهسازی
افزایش قابلیت‌های سازمانی برای چانه‌زنی (Ranaei et al., 2010)	
ایجاد محدودیت برای سازمان‌های رقیب (Kim et al., 2019)	
کاهش خطرپذیری (Bisri & Beniya, 2016)	
دسترسی به مشتری‌ها و دست‌اندرکاران مشترک (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵)	
به‌هم‌پیوستگی منافع دست‌اندرکاران (Ranaei et al., 2010)	
دستیابی به دانش موردنیاز (Loitz et al., 2017)	
افزایش توانایی جذب دانش سازمانی (عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵)	
یادگیری متقابل سازمان‌های متولی (Ranaei et al., 2010)	
وجود مراجع حل مشکلات کاری (Ranaei et al., 2010)	
تقلید متناظر (تولید کالا و خدمات مشابه) (Ranaei et al., 2010)	
کسب مشروعیت سازمانی(عبدی دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵)	
ایجاد ارتباط با شرکت‌ها یا سازمان‌های مشابه (Ranaei et al., 2010)	

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و از لحاظ روش نیز این پژوهش بر مبنای روش‌های دوگانه توصیفی- تحلیلی و تحلیلی- تجویزی است؛ زیرا فرایند پژوهش، از یک طرف شامل مراحلی نظیر: توصیف چارچوب‌های نظری مرتبط، توصیف ویژگی‌های سازمان‌ها در محیط عملیاتی نوسازی و بهسازی و توصیف ویژگی‌های محله قائمیه می‌باشد و از طرف دیگر نیز شامل مراحلی از قبیل تحلیل اسناد و پرسشنامه‌های طراحی‌شده به‌منظور شناسایی ذی‌نفعان کلیدی

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

(سازمان‌های اصلی) و تحلیل عوامل سببی مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی می‌باشد. رویکرد تحلیل داده‌ها نیز رویکرد آمیخته که ترکیبی از دو روش کیفی و کمی است می‌باشد. برمبنای این ویژگی‌ها و در راستای دستیابی به اهداف مقاله و پاسخگویی به پرسش‌های آن، مراحل زیر طی شده است:

مرحله اول: شناسایی و اولویت‌بندی ذی‌نفعان (سازمان‌ها) فعال در محیط عملیاتی بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان با استفاده از به‌کارگیری ماتریس قدرت- نفوذ و آزمون آماری میانگین

مرحله دوم: تحلیل عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه به‌وسیله تعیین ضرایب اهمیت برای هر یک از عوامل توسط ذی‌نفعان کلیدی با بهره‌گیری از آزمون آماری میانگین

مرحله سوم: ساخت شبکه‌های روابط بین‌سازمانی ذی‌نفعان درگیر در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان

مرحله چهارم: تحلیل شبکه‌های روابط بین‌سازمانی ذی‌نفعان درگیر در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان.

در پژوهش حاضر به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم برای اولویت‌بندی ذی‌نفعان و شناسایی ذی‌نفعان کلیدی، تحلیل عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه و تعیین ضرایب اهمیت هریک از عوامل سببی مذکور و ساخت شبکه روابط بین سازمانی ذی‌نفعان کلیدی، سه نوع پرسشنامه (که پرسشنامه نخست شامل ۳۳ سؤال، پرسشنامه دوم شامل ۶۰ سؤال و پرسشنامه سوم شامل ۱۹ سؤال بود) طراحی و در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. در پژوهش حاضر به دلیل نبود روش نمونه‌گیری به معنای رایج آن، جامعه آماری و نمونه یکسان در نظر گرفته شده و تحت عنوان جمعیت هدف معرفی شدند. از این رو ذی‌نفعان کلیدی پژوهش در نخستین مرحله از فرایند انجام پژوهش با تکنیک‌هایی نظیر تحلیل متن، چک‌لیست و گلوله‌برفی، شناسایی و به عنوان جمعیت هدف پژوهش در نظر گرفته شدند. مراجعه به افراد درون سازمان‌ها برای تکمیل پرسشنامه‌های سه‌گانه (پرسشنامه‌های مربوط به شناسایی ذی‌نفعان کلیدی، تعیین ضرایب اهمیت هریک از عوامل سببی و پالایش آنها و ساخت شبکه روابط بین‌سازمانی ذی‌نفعان کلیدی) به صورت قضاوتی یا تعمدی و پس از آن گلوله برفی، انجام شد. معمولاً در روش قضاوتی انتخاب صحیح افراد به صورتی انجام می‌شود که هریک از افراد منتخب قسمتی از جامعه مورد نظر را معرفی نمایند. این روش با توجه به موضوع مورد بررسی پژوهش، بر فهم نظری محقق درباره جمعیت موردمطالعه استوار می‌باشد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲). برای مثال هریک از متخصصان، کارشناسان یا مدیران سازمان‌های اصلی درگیر در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه می‌تواند به عنوان نماینده آن سازمان در نظرگرفته شود. با توجه به این موضوع که تهیه فهرستی از این افراد امکان‌پذیر نمی‌باشد، پژوهشگر باید با مراجعه به شرکت‌ها یا سازمان‌ها به صورت تعمدی افراد موردنظر خود را که دارای بیشترین تخصص، آگاهی و ارتباط در خصوص موضوع پژوهش می‌باشند، در این مکان‌های مشخص، شناسایی نموده و به تکمیل پرسشنامه توسط آنها بپردازد و همچنین از این افراد منتخب می‌خواهد که دیگرانی که دارای ویژگی‌های مشترک با آنها (تخصص و آگاهی لازم درخصوص موضوع پژوهش) هستند را معرفی نمایند. این امر سبب می‌گردد که افراد انتخاب شده جمعیتی بسیار معتبر را جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهشگر تشکیل دهند. با توجه به موضوع پژوهش حاضر و روش‌های قابل به‌کارگیری جهت گردآوری و تحلیل داده‌های مورد نیاز پژوهش لازم است تا برای تأیید روایی پرسشنامه‌ها از روش روایی صوری و برای تأیید پایایی آنها، از مفهوم اتکاپذیری که تاحد

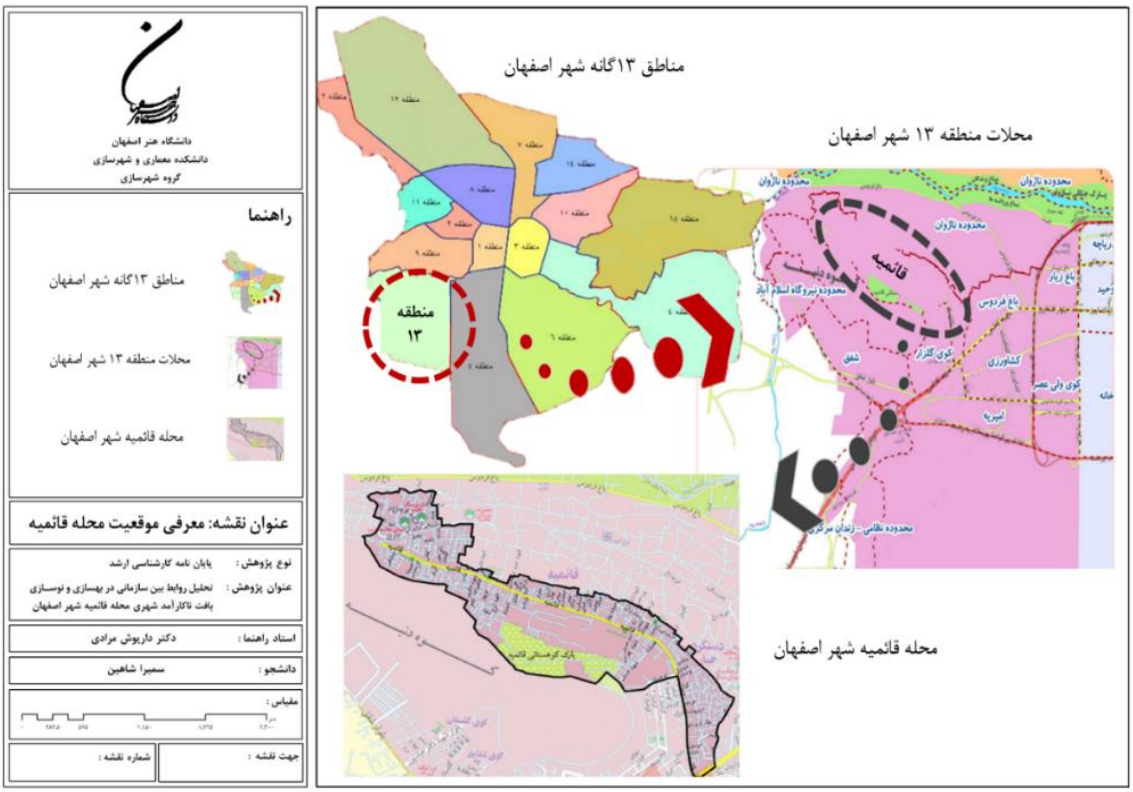
[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

زیادی همسان با مفهوم پایایی می‌باشد، استفاده گردد. مفهوم اتکاپذیری بر این موضوع دلالت دارد که چنانچه مطالعه‌ای تکرار گردد یا توسط محققان مستقل به صورت هم‌زمان انجام شود، نتایج مشابه یا یکسان به دست آید. با توجه به اینکه از یک‌سو، گردآوری، تحلیل و تفسیر هر مرحله از پژوهش حاضر به دقت مطرح شده و با تکرار روش‌ها و شیوه‌های به کار گرفته شده در بخش قدرت - نفوذ ذی‌نفعان و تحلیل شبکه اجتماعی، اطمینان از یکسان بودن نتایج حاصل گردیده است و از دیگرسو، نتایج به‌دست آمده در تحقیق و مبانی نظری کاملاً همخوان بوده و متخصصان و روش‌شناسان آگاه نیز در طول پژوهش همواره صحت فرایند انجام پژوهش را تأیید نموده‌اند، پرسشنامه‌های تدوین شده از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار می‌باشند.

معرفی نمونه موردمطالعه

محله قائمیه، یکی از محلات دارای بافت فرسوده غیرتاریخی واقع در منطقه ۱۳ شهر اصفهان است که دارای پیشینه اسکان غیررسمی بوده و با وجود تدوین برنامه‌های مداخله (طرح نوسازی و بهسازی محله قائمیه) برای آن، همچنان واجد انواع شاخص‌های فرسودگی و مشکل‌دار از جنبه‌های گوناگون؛ همچون کالبد فرسوده و ساخت‌وسازهای غیرمجاز، معابر کم‌عرض و فاقد انتظام و سیمای شهری نامناسب می‌باشد و توسط سازمان‌های درگیر در محیط عملیاتی نوسازی و بهسازی اصفهان به‌ویژه شهرداری اصفهان و اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان، در فهرست اولویت‌های اجرای برنامه‌های نوسازی و بهسازی شهری قرار دارد (نقشه ۱).



نقشه ۱- موقعیت محله قائمیه شهر اصفهان

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

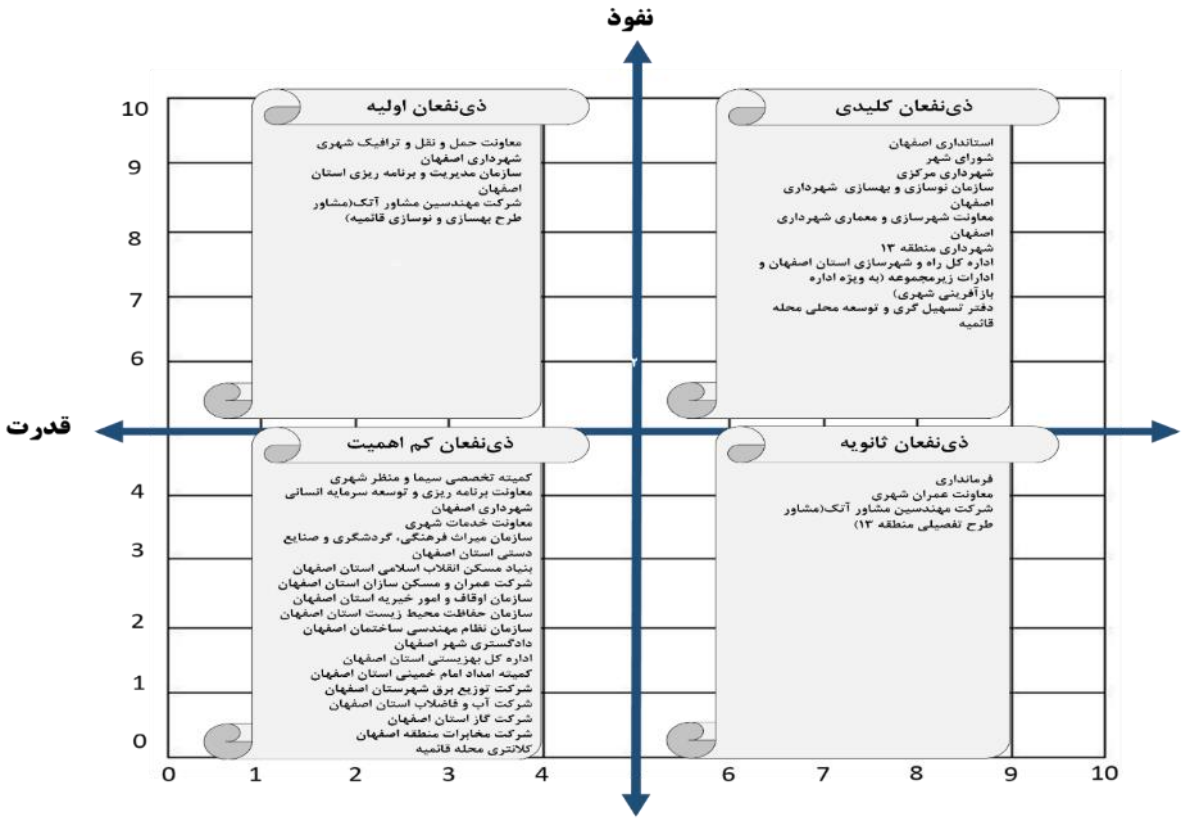
۵- یافته‌های تحقیق

مرحله نخست: شناسایی و اولویت‌بندی ذی‌نفعان فعال در محیط عملیاتی بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان

در این مرحله بر اساس تحلیل مستند متون و مطالعات و پژوهش‌های مرتبط در بخش چارچوب نظری، فهرست اولیه‌ای از ذی‌نفعان مربوطه تهیه گردید. ۳۱ ذی‌نفع یا سازمان از مطالعه اسناد و مدارک استخراج گردید که عبارتند از: شهرداری مرکزی اصفهان، شورای اسلامی شهر اصفهان، استانداری اصفهان، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری، دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی محله قائمیه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، فرمانداری اصفهان، معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهری شهرداری اصفهان، معاونت عمران شهری شهرداری اصفهان، مشاور طرح تفصیلی منطقه ۱۳، شرکت مهندسین مشاور طرح نوسازی و بهسازی قائمیه، کمیته تخصصی سیما و منظر شهری شهرداری اصفهان، شرکت گاز استان اصفهان، شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان، سازمان نظام مهندسی ساختمان اصفهان، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان، شرکت توزیع برق شهرستان اصفهان، شرکت مخابرات منطقه اصفهان، کلانتری محله قائمیه، دادگستری شهر اصفهان، شرکت عمران و مسکن‌سازان استان اصفهان، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اصفهان، سازمان اوقاف و امور خیریه استان اصفهان، سازمان حفاظت محیط‌زیست استان اصفهان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اصفهان، کمیته امداد امام خمینی استان اصفهان و اداره کل بهزیستی استان اصفهان. سپس ذی‌نفعان با استفاده از فنونی نظیر چک‌لیست و گلوله برفی تکمیل گردید و این فهرست در اختیار کارشناسان منتخب این سازمان‌ها (به‌صورت میانگین، سه نفر از مرتبط‌ترین و آگاه‌ترین کارشناسان هر سازمان) قرار گرفت تا میزان قدرت و نفوذ هر سازمان در پیشبرد اهداف نوسازی و بهسازی محله قائمیه شهر اصفهان بر اساس ارزش‌گذاری پنج‌گانه طیف لیکرت مشخص شود. سپس از ماتریس استاندارد قدرت- نفوذ (نمودار ۱) به‌منظور طبقه‌بندی و اولویت‌بندی ذی‌نفعان بر اساس میزان قدرت و نفوذ آن‌ها در پروژه استفاده گردید؛ بدین صورت که موقعیت انواع ذی‌نفعان بر اساس میزان قدرت و نفوذشان در یک ماتریس (محور عمودی آن، نشانگر میزان قدرت بالقوه ذی‌نفعان و محور افقی آن نشانگر میزان نفوذ آن‌ها در پروژه می‌باشد) مشخص و در نهایت بر اساس موقعیت قرارگیری ذی‌نفعان در این ماتریس، آن‌ها در چهار گروه ذی‌نفعان کلیدی، اولیه، ثانویه و کم‌اهمیت، طبقه‌بندی شدند. استانداری اصفهان، شورای شهر، شهرداری مرکزی، سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان، شهرداری منطقه ۱۳، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری، دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی محله قائمیه که امتیاز قدرت و نفوذ آن‌ها هر دو بیشتر از میزان میانگین از پیش تعیین‌شده طیف لیکرت می‌باشند به‌عنوان ذی‌نفعان کلیدی بهسازی و نوسازی شهری مشخص شدند (ذی‌نفعان کلیدی هشت‌گانه در محیط عملیاتی نوسازی و بهسازی محلهٔ قائمیه اصفهان) (نمودار ۱).

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]



نمودار ۱- طبقه‌بندی ذی‌نفعان نوسازی و بهسازی محله قائمیه

مرحله دوم: تحلیل عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه

پس از تعیین ذی‌نفعان کلیدی بهسازی و نوسازی شهری در محله قائمیه شهر اصفهان، عوامل سببی به‌عنوان دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری روابط بین سازمانی، تحلیل شد. بدین منظور فهرستی از عوامل سببی (سنجه‌ها) تهیه و در اختیار ذی‌نفعان کلیدی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا بر پایه مقیاس پنج‌گانه طیف لیکرت، میزان اهمیت این عوامل در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی سازمان خود با دیگر سازمان‌های فعال در محیط عملیاتی نوسازی و بهسازی محلهٔ قائمیه را ارزش‌گذاری کنند. سپس پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط ذی‌نفعان کلیدی با استفاده از آزمون آماری میانگین، تحلیل و امتیازات نهایی هریک از عوامل سببی مؤثر بر شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی از دیدگاه ذی‌نفعان کلیدی تعیین گردید. این عوامل بر اساس ضرایب اهمیت محاسبه‌شده برای هریک از سنجه‌ها و نشانگرها، مورد بازبینی قرار گرفتند و عواملی که دارای میانگین امتیاز بالاتر از میانه کلیه میانگین‌های به‌دست‌آمده، بودند، به‌عنوان فهرست بازبینی‌شده عوامل سببی معرفی شدند. ازجمله مهم‌ترین انگیزه‌های شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی در محیط عملیاتی بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه می‌توان به تبادل اطلاعات (۴/۲۵)، وجود پروژه‌های محرک توسعه در زمینه بهسازی و نوسازی (۴/۰۶)، پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق اهداف مشترک در نوسازی و بهسازی (۳/۷۵)، پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق ارزش‌های مشترک در نوسازی و بهسازی (۳/۶۸)، به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی در نوسازی و بهسازی (۳/۶۸) و نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها (۳/۵) اشاره نمود.

مرحله سوم: ساخت شبکه‌های روابط بین سازمانی ذی‌نفعان درگیر در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

با توجه به وجود روابط نسبتاً پیچیده و چندگانه بین بازیگران پژوهش، روابط بین بازیگران کلیدی که قدرت و نفوذ آن‌ها در موفقیت پروژه به میزان زیادی تأثیرگذار می‌باشد و همچنین ارتباط بین آن‌ها و دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری و دگرگونی این روابط بر اساس روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی و با به‌کارگیری نرم‌افزار گفی، بررسی شد. مابقی ذی‌نفعان که بر اساس ماتریس قدرت- نفوذ در گروه ذی‌نفعان اولیه، ثانویه و کم‌اهمیت قرار گرفتند نیز با بهره گرفتن از استراتژی‌های پیشنهادی ماتریس قدرت– نفوذ (مطابق با بخش تحلیل ذی‌نفعان پژوهش حاضر) قابل‌چشم‌پوشی می‌باشند. به‌بیان‌دیگر پس از مدیریت بهینه روابط میان ذی‌نفعان کلیدی پژوهش، با راضی نگه‌داشتن و جلب رضایت ذی‌نفعان اولیه، آگاه ساختن ذی‌نفعان ثانویه از پروژه و حداقل تلاش در مدیریت روابط ذی‌نفعان کم‌اهمیت، میزان تحقق‌پذیری پروژه افزایش می‌یابد. به‌منظور تحلیل روابط بین‌سازمانی بین بازیگران کلیدی (سازمان‌های اصلی) دخیل در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه و تحلیل دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری و دگرگونی این روابط، دو شبکه شامل شبکه ذی‌نفع- ذی‌نفع و شبکه ذی‌نفع – عوامل سببی، ترسیم می‌گردد. پیش از هر چیز، لازم است تا فهرست ذی‌نفعان کلیدی (بازیگران اصلی) دخیل در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده قائمیه و مهم‌ترین عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی که در گام‌های پیشین استخراج گردیدند، به‌صورت کدگذاری شده ارائه گردند (جدول ۲).

جدول ۲- کدگذاری فهرست ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی بافت ناکارآمد محله قائمیه

سازمان‌ها	کد	عوامل سببی	کد
اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری	o1	تبادل اطلاعات	f1
شهرداری منطقه ۱۳ شهر اصفهان	o2	وجود پروژه‌های محرک توسعه	f2
معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان	o3	پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق اهداف مشترک	f3
سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان	o4	پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق ارزش‌های مشترک	f4
شهرداری مرکزی اصفهان	o5	به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی	f5
شورای شهر اصفهان	o6	نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها	f6
استانداری اصفهان	o7	مدیریت بهینه منابع	f7
دفتر تسهیل گری و توسعه محلی محله قائمیه	o8	افزایش قابلیت‌های سازمانی برای چانه‌زنی	f8

چگونگی تعیین روابط بین ذی‌نفعان کلیدی و همچنین تعیین روابط بین ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی مذکور برای تشکیل شبکه‌ها، بر اساس پرسشنامه‌های طراحی‌شده برای این منظور که توسط متخصصین حاضر در سازمان‌های اصلی دخیل در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد قائمیه تکمیل گردیده، صورت گرفته است. توضیحات مربوط به هر شبکه در ادامه، ارائه‌شده است.

ترسیم شبکه نخست (شبکه ذی‌نفع- ذی‌نفع)

در شبکه ذی‌نفع- ذی‌نفع، ذی‌نفعان کلیدی که همان سازمان‌های اصلی دخیل در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه می‌باشند، به‌عنوان گره و وجود ارتباط بین هر دو ذی‌نفع کلیدی به‌عنوان یال ایفای نقش می‌کند؛ یعنی در صورت وجود ارتباط مستقیم بین هر سازمان با دیگر سازمان‌های موجود در فهرست ذی‌نفعان کلیدی، بین آن‌ها یک یال ترسیم می‌گردد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

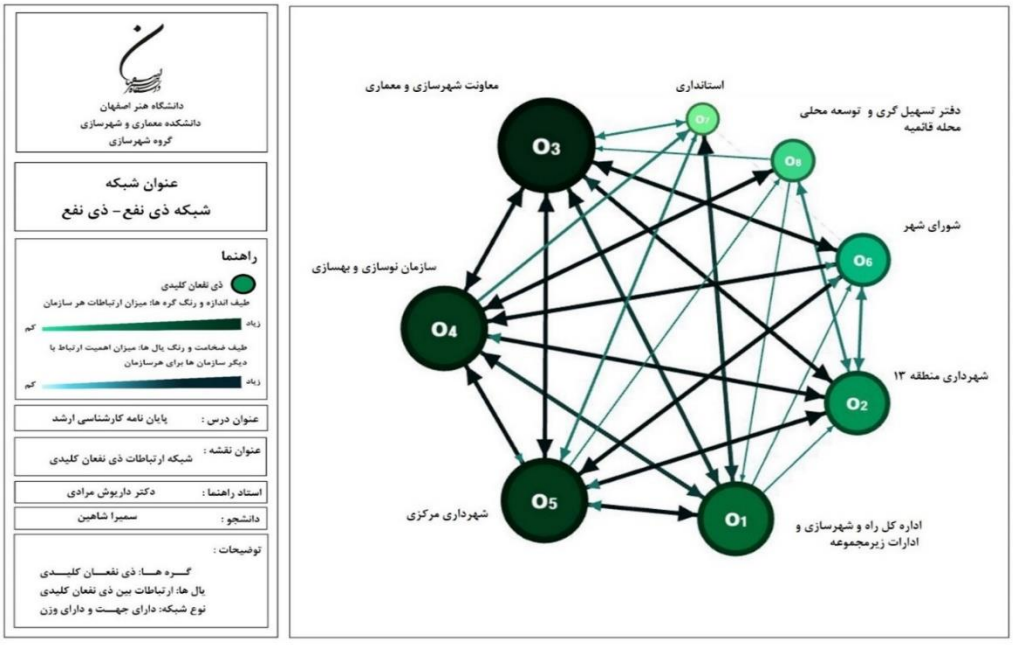
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

جدول۳- ماتریس ذی‌نفع_ذی‌نفع

	o1	o2	o3	o4	o5	o6	o7	o8
o1		۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o2	۰		۱	۱	۱	۱	۰	۱
o3	۱	۱		۱	۱	۱	۱	۱
o4	۱	۱	۱		۱	۱	۱	۱
o5	۱	۱	۱	۱		۱	۱	۱
o6	۰	۱	۱	۱	۱		۰	۰
o7	۱	۰	۱	۰	۱	۱		۰
o8	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	

ماتریس نمایش داده‌شده می‌تواند به تجسم شبکه ذی‌نفع – ذی‌نفع (شکل ۱) کمک کند. در این شبکه، به دلیل اهمیت داشتن این موضوع که در صورت وجود ارتباط بین دو ذی‌نفع کلیدی مبدأ و مقصد، این ارتباط کدام است و به‌بیان‌دیگر امکان ترسیم دو یال بین هر دو گره، یال‌های میان گره‌ها دارای جهت می‌باشند. به‌منظور ایجاد تمایز میان یال‌ها نیز برای هر یال وزنی در نظر گرفته می‌شود که این وزن از میزان ضریب اهمیتی که هر ذی‌نفع کلیدی برای ارتباط خود با دیگر ذی‌نفعان کلیدی در نظر گرفته، حاصل گردیده است. شبکه ارتباطات ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه با ۸ گره و ۴۵ یال جهت‌دار نشان داده شده است (شکل ۱). چیدمان این شبکه بر اساس الگوریتم Circular صورت گرفته است. اندازه و رنگ گره‌ها در این شبکه نشان‌دهنده میزان ارتباطات آن‌ها با دیگر گره‌ها و ضخامت و رنگ اتصالات شبکه نیز نشان‌دهنده میزان اهمیت برقراری ارتباط میان هر سازمان با دیگر سازمان‌ها می‌باشد. در واقع گره‌های بزرگ‌تر و پررنگ‌تر معرف سازمان‌هایی با ارتباطات بین‌سازمانی بیشتر و یال‌های ضخیم‌تر و پررنگ‌تر نیز معرف اهمیت بیشتر آن ارتباطات نسبت به دیگر ارتباطات بین‌سازمانی یک سازمان می‌باشد.

شکل ۱- شبکه نخست (شبکه ذی‌نفعع- ذی‌نفع) در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله قائمیه



[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

ترسیم شبکه دوم (شبکه ذی‌نفع- عوامل سببی)

شبکه دوم، به بررسی ارتباطات بین ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی در بستر نوسازی و بهسازی بافت فرسوده قائمیه می‌پردازد. درصورتی‌که دلیل برقراری ارتباطات بین‌سازمانی هر سازمان با دیگر سازمان‌های موجود در فهرست ذی‌نفعان کلیدی یکی از عوامل سببی مطرح‌شده باشد، بین آن سازمان و عامل سببی مذکور ارتباط مستقیمی وجود دارد. ارتباط بین ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی با تدوین ماتریس ذینفع- عوامل سببی (جدول ۴) قابل‌شناسایی می‌باشد. ماتریس نمایش داده‌شده با ۸ ذی‌نفع کلیدی و ۸ عامل سببی می‌تواند به تجسم شبکه ذی‌نفع – عوامل سببی (شکل ۲)کمک کند.

جدول ۴- ماتریس ذی‌نفع_عوامل سببی

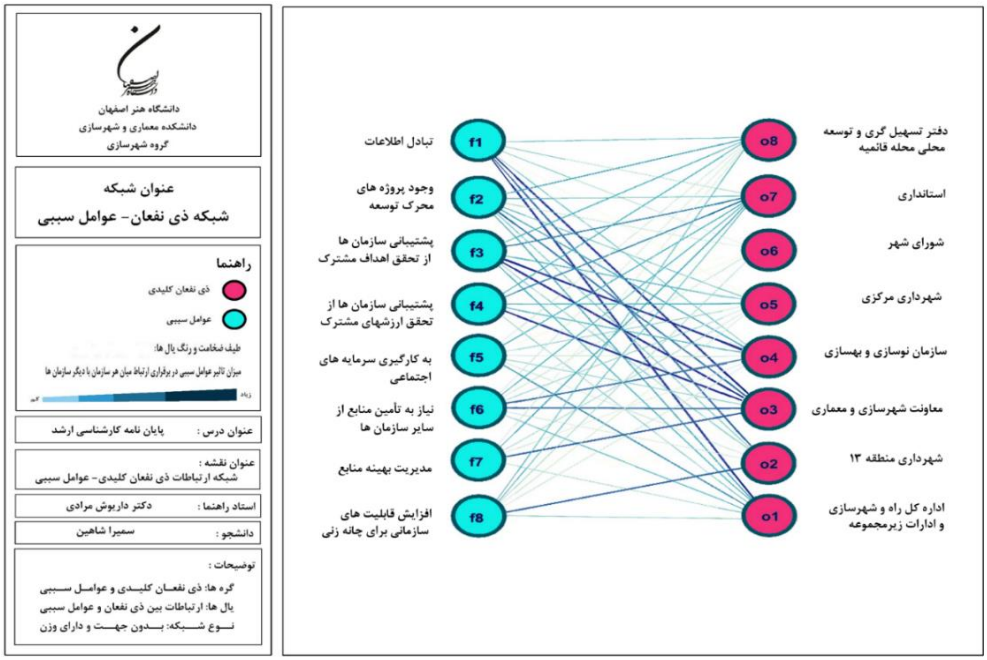
	f1	f2	f3	f4	f5	f6	f7	f8
o1	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o2	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o3	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o4	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o5	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o6	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o7	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
o8	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این شبکه دو جنس گره وجود دارد؛ گره‌هایی از جنس ذی‌نفعان کلیدی و گره‌هایی از جنس عوامل سببی. به دلیل تنها اهمیت داشتن موضوع وجود یا عدم‌وجود ارتباط بین ذی‌نفعان و عوامل سببی و عدم‌تفاوت میان مبدأ و مقصد این ارتباط، یال‌های میان گره‌ها بدون جهت می‌باشند، اما با توجه به اینکه ماتریس ذی‌نفعان- عوامل سببی بیانگر وجود یال میان تمامی گره‌ها می‌باشد و به‌منظور ایجاد تمایز میان یال‌ها، برای هر یال وزنی در نظر گرفته می‌شود. برای احتساب این وزن، از ذی‌نفعان خواسته‌شده تا با توجه به تجربه و شناخت خود از روابط بین‌سازمانی موجود بین سازمان‌های دخیل در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده محله قائمیه، تعیین کنند که سازمان آن‌ها با هریک از سازمان‌های کلیدی دیگر بر اساس کدام یک از عوامل سببی بیان شده دارای ارتباط مستقیم می‌باشد و سپس عدد نرمال‌شده تعداد دفعات تکرار این عوامل توسط سازمان‌های مذکور، در ضریب اهمیت هر عامل سببی ضرب و عدد حاصل‌شده به‌عنوان وزن یال‌ها اعمال گردیده است. شبکه ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه و عوامل سببی شکل‌دهنده ارتباط بین آن‌ها با ۱۶ گره و ۶۴ یال بدون جهت نشان داده شده است (شکل ۲). چیدمان این شبکه بر اساس الگوریتم Circular صورت گرفته و ضخامت و رنگ اتصالات شبکه نشان‌دهنده میزان تأثیر عوامل سببی در برقراری ارتباط بین هر سازمان با دیگر سازمان‌ها است. در واقع یال‌های ضخیم‌تر و پررنگ‌تر، معرف تأثیر بیشتر عوامل سببی در برقراری ارتباطات بین‌سازمانی یک سازمان می‌باشد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

شکل ۲- شبکه ذی‌نفعان - عوامل سببی در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله قائمیه



مرحله چهارم : تحلیل شبکه‌های روابط بین‌سازمانی ذی‌نفعان درگیر در بهسازی و نوسازی شهری محله قائمیه شهر اصفهان

تحلیل‌های مربوط به شبکه‌های ساخته‌شده در خصوص روابط بین‌سازمانی در بستر نوسازی و بهسازی شهری بافت ناکارآمد محله قائمیه که شامل دو شبکه ذی‌نفع – ذی‌نفع و ذی‌نفع – عوامل سببی می‌باشد، به ترتیب در دو مقیاس شبکه و گره آورده شده است.

تحلیل شبکه نخست؛ شبکه روابط بین‌سازمانی ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه

در این بخش به تحلیل شبکه روابط بین سازمان‌های کلیدی دخیل در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه در دو مقیاس شبکه و گره پرداخته می‌شود.

تحلیل شبکه نخست (شبکه ذی‌نفع- ذی‌نفع) در مقیاس شبکه

- تراکم شبکه

مقصود از تراکم شبکه، نسبت اتصالات احتمالی شبکه به اتصالات واقعی آن می‌باشد. این شاخص دارای مقداری بین ۰ تا ۱ است که هرچه میزان این عدد به ۱ نزدیک‌تر باشد، میزان همبستگی گره‌ها نیز بیشتر خواهد بود. تراکم شبکه ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه معادل ۰/۸ می‌باشد. این عدد نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که ۸۰ درصد از ارتباطات بالقوه‌ای که می‌تواند بین ذی‌نفعان کلیدی وجود داشته باشد، به‌صورت واقعی شکل گرفته است و بیانگر میزان تراکم بالا و تعداد ارتباطات زیاد شبکه است.

- متوسط درجه گره‌های شبکه

میانگین تعداد یال‌هایی که به هر گره در شبکه ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه متصل می‌باشد، برابر با عدد ۵/۶۲ است که خود بیانگر تراکم بالای شبکه و وجود ارتباطات بسیار بین ذی‌نفعان کلیدی می‌باشد.

- ضریب قطعه‌بندی

مقصود از ضریب قطعه‌بندی یا شاخص مدولاریتی در شبکه، میزان جداافتادگی گره‌های یک شبکه از یکدیگر است. مقدار این شاخص برای شبکه ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد برابر با صفر است. این میزان بیانگر این امر می‌باشد که شبکه روابط

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

بین‌سازمانی ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه به‌قدری منسجم می‌باشد که قادر به تشخیص گره‌های جدا افتاده در درون خود نیست. به‌بیان‌دیگر امکان

تحلیل شبکه نخست (شبکه ذی‌نفع- ذی‌نفع) در مقیاس گره

به‌طورکلی سنجه مرکزیت، یکی از مهم‌ترین و پراستفاده‌ترین سنجه‌ها در تحلیل شبکه‌های اجتماعی است. معمولاً از شاخص مرکزیت به‌منظور شناسایی نقش‌آفرینان و بازیگران قدرتمند، بانفوذ یا مهم استفاده می‌گردد. شاخص مرکزیت شبکه‌های گوناگون بر اساس شاخص‌های مختلفی موردسنجش قرار می‌گیرد که مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: مرکزیت درجه، مرکزیت بینابینی و مرکزیت نزدیکی (همجواری). بر اساس اهداف پژوهش، این سه شاخص به همراه دو شاخص مرکزیت بینابینی و مرکزیت همجواری استفاده شده است. شاخص‌های مرکزیت به‌دست‌آمده از نرم‌افزار گفی برای هشت ذی‌نفع کلیدی ارائه شده است (جدول ۵).

- تحلیل شاخص درجه وزن‌دار [1]

سنجه درجه وزن‌دار بر تعداد روابط مستقیم یک گره در یک شبکه با یال‌های دارای وزن، دلالت دارد. موجودیتی با درجه وزن‌دار بالا، دارای ویژگی‌های زیر است (مرادی‌چادگانی و همکاران، ۱۳۹۸):

- به‌طورکلی یک بازیگر فعال در شبکه است.
- اغلب یک متصل‌کننده یا قطب در شبکه است
- ممکن است در موقعیت ممتازی در شبکه قرار داشته باشند.
- اغلب می‌تواند به‌عنوان شخص سوم یا واسطه شناخته شود.

- تحلیل شاخص درجه ورودی یا خروجی وزن‌دار [2]

درجه ورودی به تعداد یال‌هایی که به یک گره وارد و درجه خروجی به تعداد یال‌هایی که از یک گره خارج می‌گردد، گفته می‌شود. در شبکه‌هایی با یال‌های وزن‌دار، شاخص‌های درجه ورودی و درجه خروجی، با احتساب وزن یال‌های واردشده و خارج‌شده از گره‌ها، محاسبه می‌گردند؛ ازاین‌رو شاخص‌های درجه ورودی یا درجه خروجی وزن‌دار نامیده می‌شوند.

- تحلیل شاخص مرکزیت بینابینی [3]

شاخص مرکزیت بینابینی ارتباط یا پیوند گره یا گره‌های همسایه خود را محاسبه کرده و ارزش بالاتری به گره‌هایی که خوشه‌ها را به‌هم متصل می‌سازند. درواقع اندازه شاخص مرکزیت بینابینی را می‌توان با میزان توانایی یک گره در مرتبط ساختن سایر گره‌ها در شبکه مرتبط دانست.

- تحلیل شاخص مرکزیت همجواری (مجاورت)[4]

درجه‌ای که یک فرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم هم‌جوار دیگر افراد شبکه قرار می‌گیرد، مجاورت نامیده می‌شود. این سنجه توانایی کسب اطلاعات را به‌وسیله خوشه اعضای شبکه منعکس می‌سازد (مرادی چادگانی و همکاران، ۱۳۹۸).

یافته‌های تحلیل شاخص‌های شبکه ذی‌نفع- ذی‌نفع در کل بیانگر این می‌باشند که در شبکه متشکل از بازیگران کلیدی مؤثر در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه، فعال‌ترین بازیگران شبکه که بیش‌ترین نقش را در عرصه بهسازی و نوسازی بافت مذکور دارند، متصل‌کننده ارتباطات بین سایر بازیگران هستند، می‌توانند منابع سازمانی مختلفی برای پیشبرد اهداف نوسازی و بهسازی را به‌اشتراک گذارند، مرجع رسیدگی به حل مشکلات هستند، از شهرت و قدرت سیاسی کافی برای مداخله برخوردار می‌باشند، امکان هدایت و کنترل سایر اعضای شبکه را دارا هستند و نیز قادر به تشکیل خوشه‌بندی در درون شبکه می‌باشند، به ترتیب سه سازمان معاونت شهرسازی و معماری، سازمان نوسازی و بهسازی و شهرداری مرکزی اصفهان هستند.

1- Degree Centrality
2- Weighted in/out Dgree
3- Betweenness Centrality
4- Closeness Centrality

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

به‌بیان‌دیگر، پیشبرد اهداف یک برنامه نوسازی و بهسازی در محله قائمیه با محوریت معاونت شهرسازی و معماری، سازمان نوسازی و بهسازی و شهرداری مرکزی اصفهان در یک ساختار شبکه‌ای منسجم و قوی از ذی‌نفعان کلیدی، قابل‌پیگیری و اجرا است. بنابراین سازمان‌های بیان شده، هر سه از زیرمجموعه‌های سازمانی شهرداری اصفهان هستند و نقش بسیار مهم و حیاتی این کلان سازمان در نوسازی و بهسازی محله قائمیه را نشان می‌دهند، باید مورد تأکید و توجه بیشتری واقع شوند و در بحث‌های مدیریتی در اولویت‌های بالاتری قرار گیرند.

جدول ۵- ویژگی‌های شبکه ذی‌نفعان کلیدی نوسازی بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه در مقیاس گره

فهرست ذی‌نفعان کلیدی	شاخص درجه وزن‌دار	شاخص درجه ورودی وزن‌دار	شاخص درجه خروجی وزن‌دار	شاخص مرکزیت بینابینی	شاخص مرکزیت همجواری
معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان	۱۲/۳	۶/۲	۶/۱	۳/۱	۱
سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان	۱۱/۹	۵/۸	۶/۱	۲/۳	۱
شهرداری مرکزی اصفهان	۱۱/۱	۵/۱	۶	۲/۳	۱
اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری	۹/۷	۴/۳	۵/۴	۱/۶	۱
شهرداری منطقه ۱۳ شهر اصفهان	۹/۳	۵/۲	۴/۱	۰/۷	۰/۷۷
شورای شهر اصفهان	۸/۱	۴/۳	۳/۸	۰/۵	۰/۷
دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی محله قائمیه	۶/۳	۳/۳	۳	۰/۲۵	۰/۷
استانداری اصفهان	۵/۹	۳/۱	۲/۸	۰	۰/۷

تحلیل شبکه دوم (شبکه ذی‌نفع- عوامل سببی) در مقیاس شبکه

- تراکم شبکه

تراکم شبکه ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی در بستر نوسازی و بهسازی بافت فرسوده قائمیه معادل ۰/۵۳ (۵۳درصد) می‌باشد. با توجه به ماهیت متفاوت گره‌ها در این شبکه (گره‌ها از دو نوع بازیگران کلیدی و عوامل سببی)، بخشی از ارتباطات بین عوامل سببی یا بین ذی‌نفعان کلیدی که به لحاظ ظاهری در شبکه قابل ترسیم می‌باشند، مصداق واقعی ندارند و به همین دلیل باید از مجموعه ظرفیت ارتباطات بالقوه شبکه حذف شوند. با محاسبه تعداد این ارتباطات (معادل ۴۷درصد از کل ظرفیت ارتباطات بالقوه) و حذف آن‌ها از محاسبات مربوط به سنجش تراکم شبکه، تراکم واقعی شبکه برابر با عدد ۱ (۱۰۰ درصد) به دست آمد که بیانگر آن می‌باشد که تمامی ارتباطات بالقوه‌ای که می‌تواند بین ذینفعان کلیدی و عوامل سببی وجود داشته باشد، به‌طور واقعی نیز شکل گرفته است.

- متوسط درجه گره‌های شبکه

میانگین یال‌های متصل شده به هر گره در شبکه ذی‌نفع- عوامل سببی، برابر با عدد ۸ است که با توجه به شرایط شبکه (مصداق واقعی نداشتن ۴۷درصد از ارتباطات بالقوه بین گره‌ها)، این عدد بیانگر تراکم بالای شبکه و وجود ارتباطات گسترده میان ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی می‌باشد. به‌بیان‌دیگر، تمام عوامل سببی در برقراری روابط بین‌سازمانی بین ذی‌نفعان کلیدی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه مؤثر هستند.

- ضریب قطعه‌بندی

ضریب قطعه‌بندی برای شبکه ذی‌نفع – عوامل سببی برابر با ۰/۱ است که این عدد نشان‌دهنده جداافتادگی بسیار اندک بین عوامل سببی و ذی‌نفعان در شبکه روابط بین‌سازمانی نوسازی و بهسازی بافت

[Downloaded from ieam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/ieam.10.37.85]

ناکارآمد محله قائمیه می‌باشد. تفسیر این یافته‌ها بیانگر ضرورت به‌کارگیری تمامی عوامل سببی تعیین شده در شکل‌گیری این شبکه است.

تحلیل شبکه دوم (شبکه ذی‌نفع- عوامل سببی) در مقیاس گره

در این بخش، بر اساس اهداف پژوهش و نوع شبکه ترسیم‌شده، تنها شاخص درجه وزن‌دار مورداستفاده قرار می‌گیرد.

در شبکه ذی‌نفعان کلیدی و عوامل سببی در بستر نوسازی و بهسازی بافت فرسوده قائمیه با توجه به وجود دو نوع گره (گره‌هایی از جنس ذی‌نفعان کلیدی و گره‌هایی از جنس عوامل سببی)، داده‌های حاصل از محاسبه شاخص درجه وزن‌دار و تحلیل‌های آنها در دو بخش مجزا ارائه می‌گردد.

جدول ۶- نتایج شاخص درجه وزن‌دار شبکه ذی‌نفع- عوامل سببی در بستر نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه

گره‌هایی از جنس سازمان‌ها	شاخص درجه وزن‌دار	گره‌هایی از جنس عوامل سببی	شاخص درجه وزن‌دار
معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان	۲۲/۱	پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق اهداف مشترک	۱۸/۷۲
اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری	۱۶/۵	تبادل اطلاعات	۱۶/۹
استانداری اصفهان	۱۶/۳	وجود پروژه‌های محرک توسعه	۱۶/۲
سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان	۱۵/۹	پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق ارزش‌های مشترک	۱۵/۲
دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی محله قائمیه	۱۳	نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها	۱۴/۴
شهرداری منطقه ۱۳ شهر اصفهان	۱۲/۵	به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی	۱۱/۵
شهرداری مرکزی اصفهان	۱۱/۹	افزایش قابلیت‌های سازمانی برای چانه‌زنی	۱۱/۳
شورای شهر اصفهان	۶/۷	مدیریت بهینه منابع	۱۰/۹

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد در بخش گره‌هایی از جنس سازمان‌ها، به ترتیب معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری و استانداری اصفهان، دارای بیش‌ترین میزان درجه وزن‌دار و بنابراین بیش‌ترین مرکزیت می‌باشند. به این معنا که سازمان‌های مذکور با اکثر عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی در بستر نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه، در ارتباط می‌باشند و تعداد زیادی از عوامل سببی معرفی شده را به عنوان دلیل برقراری روابط بین سازمانی خود با دیگر سازمان‌های درگیر در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه بیان کرده‌اند. این نتیجه بیانگر آن است که سازمان‌هایی که به لحاظ وظایف سازمانی دارای ارتباط مستقیمی با موضوع برنامه‌ریزی و توسعه شهری و نیز مداخله در نواحی دچار افت شهری (هم در سطح ملی و هم در سطح محلی) می‌باشند، میل به پوشش گسترده‌تری از عوامل سببی دارند و از ظرفیت بیش‌تری برای به‌کارگیری این عوامل در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی با هدف تحقق اهداف نوسازی و بهسازی در محله قائمیه برخوردار هستند. در مقابل سازمان‌هایی که به‌صورت غیرمستقیم با موضوع مداخله در نواحی دچار افت شهری مرتبط می‌باشند؛ مانند شورای شهر اصفهان، شهرداری مرکزی و شهرداری منطقه، از ظرفیت عوامل سببی کم‌تری برای شکل‌گیری و دگرگونی در تحقق اهداف نوسازی محله قائمیه بهره می‌گیرند. در واقع، تمرکز بیشتری بر تعداد محدودتری از عوامل سببی دارند، دارای دلایل و انگیزه‌های محدودتر و معین‌تری

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

برای برقراری روابط بین‌سازمانی می‌باشند و همچنین در پی دستاوردهای مشخص‌تری در فرایند نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد قائمیه هستند.

در بخش گره‌هایی از جنس عوامل سببی، به ترتیب پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق اهداف مشترک، تبادل اطلاعات و وجود پروژه‌های محرک توسعه، بیش‌ترین درجه مرکزیت را دارا می‌باشند و تعداد زیادی از بازیگران کلیدی، این سه عامل را به‌عنوان دلایل و انگیزه‌های برقراری روابط بین‌سازمانی مطرح کردند. در واقع می‌توان این‌گونه ادعا نمود که عوامل مذکور مهم‌ترین دلایل در برقراری روابط بین‌سازمانی در فرایند نوسازی و بهسازی بافت فرسوده محله قائمیه می‌باشند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحلیل شبکه روابط بین‌سازمانی در محیط عملیاتی بهسازی و نوسازی محله قائمیه شهر اصفهان، امکان شناسایی بازیگران کلیدی پژوهش، مهم‌ترین عوامل سببی که باعث ایجاد این نوع روابط بین‌سازمانی شده‌اند و همچنین مهم‌ترین سازمان‌های این شبکه را فراهم نمود. آگاهی از چنین نتایجی در تحلیل شبکه روابط بین‌سازمانی در محیط بهسازی و نوسازی، می‌تواند امکان افزایش روابط بین‌سازمانی را در راستای بهبود وضعیت بافت‌های ناکارآمد شهری فراهم نماید. بر پایه چارچوب انگاشتی تحلیل روابط بین‌سازمانی در بهسازی و نوسازی شهری که از آمیختگی چارچوب انگاشتی دوگانه توصیف و تحلیل روابط بین‌سازمانی و بهسازی و نوسازی شهری، تدبیر و طراحی شده است و انجام تحلیل‌های مرتبط با مراحل مختلف آن، نتایج این پژوهش نشان دادند بازیگران کلیدی جهت بهسازی و نوسازی منطقه مورد مطالعه؛ شامل استانداری اصفهان، شورای شهر، شهرداری مرکزی، سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان، شهرداری منطقه ۱۳، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان و اداره بازآفرینی شهری، دفتر تسهیل گری و توسعه محلی محله قائمیه می‌باشد. مهم‌ترین انگیزه‌ها برای شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین سازمانی؛ شامل تبادل اطلاعات، وجود پروژه‌های محرک توسعه در زمینه بهسازی و نوسازی، پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق اهداف مشترک در نوسازی و بهسازی، پشتیبانی سازمان‌ها از تحقق ارزش‌های مشترک در نوسازی و بهسازی، به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی در نوسازی و بهسازی و نیاز به تأمین منابع از سایر سازمان‌ها می‌باشد. علاوه بر این در شبکه روابط متشکل از بازیگران کلیدی مؤثر در نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه، فعال‌ترین بازیگران شبکه که بیش‌ترین نقش را در عرصه بهسازی و نوسازی این بافت دارند، متصل‌کننده ارتباطات بین سایر بازیگران هستند، می‌توانند منابع سازمانی مختلف برای پیشبرد اهداف نوسازی و بهسازی را به اشتراک‌گذارند، مرجع رسیدگی به حل مشکلات هستند، از شهرت و قدرت سیاسی کافی برای مداخله برخوردار می‌باشند، امکان هدایت و کنترل سایر اعضای شبکه را دارا هستند و نیز قادر به تشکیل خوشه‌بندی در درون شبکه می‌باشند، به ترتیب سه سازمان معاونت شهرسازی و معماری، سازمان نوسازی و بهسازی و شهرداری مرکزی اصفهان هستند. در واقع سازوکار هدایت و کنترل شبکه از طریق این بازیگران به‌ویژه معاونت شهرسازی و معماری (با بالاترین امتیاز مرکزیت) قابل پیاده‌سازی می‌باشد. به‌بیان‌دیگر، پیشبرد اهداف برنامه نوسازی و بهسازی در محله قائمیه با محوریت معاونت شهرسازی و معماری، سازمان نوسازی و بهسازی و شهرداری مرکزی اصفهان در یک ساختار شبکه‌ای منسجم و قوی از ذی‌نفعان کلیدی قابل‌پیگیری و اجرا است. در این راستا، این سازمان‌ها که هر سه از زیرمجموعه‌های سازمانی شهرداری اصفهان هستند، نقش بسیار مهم و حیاتی این کلان سازمان در نوسازی و بهسازی محله قائمیه را نشان می‌دهند و باید توجه بیشتری به آنها گردد و در بحث‌های مدیریتی در اولویت‌های بالاتری قرار گیرند. در نتیجه می‌توان گفت که سازمان‌های مذکور می‌توانند با

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

برنامه‌ریزی برای تقویت عوامل سببی مؤثر در شکل‌گیری و دگرگونی روابط بین‌سازمانی در نوسازی و بهسازی محله قائمیه، انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری یا تقویت این روابط را به وجود آورده یا پررنگ‌تر نمایند و از این طریق میزان هماهنگی بین‌سازمانی و درنتیجه کارآمدی و اثرگذاری اقدامات مداخله‌ای درون بافت ناکارآمد محله قائمیه شهر اصفهان را ارتقا داده و با سرعت بیشتر و هزینه‌های کمتری مشکلات این ناحیه را حل کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های معاونت شهرسازی و معماری، سازمان نوسازی و بهسازی و شهرداری مرکزی اصفهان به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران شبکه روابط بین سازمانی نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد محله قائمیه برای به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی ساکنین و جذب سایر سرمایه‌های داخل بافت، از دیگر سازمان‌ها درخواست همکاری کنند. همچنین مهارت‌هایی نظیر مدیریت بهینه منابع و چانه‌زنی، برقراری ارتباط با سازمان یا سازمان‌های مشخص به منظور افزایش توانایی رایزنی و جلب موافقت در ارتباط با موضوعی خاص را در خود افزایش دهند و سازمان‌های دیگر را نیز در راستای فراگیری و تقویت این مهارت‌ها ترغیب کنند.

۷- منابع

بابایی، حمیدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ روستا، مجید؛ پاسیان خمری، رضا. (۱۳۹۷). تحلیل شبکه سازمانی مدیریت مشارکتی نوزایی شهری در بافت تاریخی گرگان. *نشریه باغ نظر*، ۱۴ (۶۳)، ۲۸-۱۷.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ امیدوار، نشاط؛ زنجانیان، حسین. (۱۳۹۹). تحلیل شبکه روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی روستایی مطالعه موردی: روستای اسلام‌رود در شهرستان طرقبه- شاندیز. *نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۴ (۳)، ۱۳۷-۱۰۵.

سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ زنگانه، احمد؛ پریزادی، طاهر؛ بیگلر، علی. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در بهبود کیفیت محیط شهری (موردمطالعه : محله بریانک). *مجله جغرافیا و روابط انسانی*، ۴(۱)، ۲۳۹-۲۲۰.

عبدی دانشپور، زهره؛ فلاحی، علیرضا؛ مرادی، داریوش. (۱۳۹۵). تحلیل روابط بین‌سازمانی در مدیریت بحران در شهر اصفهان. *فصلنامه مدیریت بحران*، شماره نهم، ۳۷-۲۵.

عرفان‌منش، محمدامین؛ ارشدی، هما. (۱۳۹۴). شبکه هم‌نویسندگی مؤسسات در مقاله‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران. *نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۴۹ (۱)، ۱۰۰-۷۹.

عرفان‌منش، محمدامین؛ مروتی اردکانی، مرضیه. (۱۳۹۵). مطالعه علم‌سنجی و تحلیل شبکه‌های همکاری علم. *نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۳۲، ۷۷-۵۵.

قاسمی، زهرا؛ حسین قلی‌زاده،رضوان؛ نوغانی دخت‌بهمنی، محسن. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در شبکه سازمانی با تأکید بر رویکرد تحلیل شبکه. *نشریه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، ۸(۱)، ۱۵۵-۱۳۳.

قاطعی کلاشمی، زهرا؛ قاطعی کلاشمی، ساناز. (۱۳۹۹). مروری بر مفهوم نوسازی شهری. *پنجمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی*.

محبی‌فر، امیرحسین؛ صبحیه، محمدحسین؛ رفیعیان، مجتبی؛حساس یگانه، یحیی؛ الهی، شعبان. (۱۳۹۶). حاکمیت برنامه بهسازی و نوسازی بافت ناکارآمد شهر تهران با رویکرد شبکه. *نشریه باغ نظر*، ۱۴ (۵۳)، ۱۴-۵.

مرادی‌چادگانی، داریوش؛ قاسمی، مسعود؛ راست‌قلم، نیلوفر. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر کاربرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. تهران: انتشارات آذرخش.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]

Agrelos, B., Ferreira, J. V., & Diirr, B. (2021, June). Interorganizational Information Systems: A Study of Practice. In *Anais Estendidos do XVII Simpósio Brasileiro de Sistemas de Informação* (pp. 05-08). SBC.

Alexandrescu, F. M., Rizzo, E., Pizzol, L., Critto, A., & Marcomini, A. (2016). The social embeddedness of brownfield regeneration actors: Insights from social network analysis. *Journal of Cleaner Production*, *139*, 1539-1550.

Barringer, B. R., & Harrison, J. S. (2000). Walking a tightrope: Creating value through interorganizational relationships. *Journal of management*, *26*(3), 367-403.

Biermann, R., & Koops, J. A. (Eds.). (2017). *Palgrave handbook of inter-organizational relations in world politics*. London: Palgrave Macmillan.

Bisri, M. B. F., & Beniya, S. (2016). Analyzing the national disaster response framework and inter-organizational network of the 2015 Nepal/Gorkha earthquake. *Procedia engineering*, *159*, 19-26.

Butts, C. T. (2008). Social network analysis: A methodological introduction. *Asian Journal of Social Psychology*, *11*(1), 13-41.

Hassan, G. F. (2012). Regeneration as an approach for the development of informal settlements in Cairo metropolitan. *Alexandria Engineering Journal*, *51*(3), 229-239.

Helms, R., Ignacio, R., & Brinkkemper, S. (2010). Limitations of network analysis for studying efficiency and effectiveness of knowledge sharing. *Electronic Journal of Knowledge Management*, *8*(1), pp53-68.

Kim, H., Chung, J. K., & Lee, M. H. (2019). Social Network Analysis of the Jangwi Urban Regeneration Community. *Sustainability*, *11*(15), 4185.

Loitz, C. C., Stearns, J. A., Fraser, S. N., Storey, K., & Spence, J. C. (2017). Network analysis of inter-organizational relationships and policy use among active living organizations in Alberta, Canada. *BMC Public Health*, *17*(1), 1-12.

Ranaei, H., Zareei, A., & Alikhani, F. (2010). Inter-organizational relationship management a theoretical model. *International Bulletin of Business Administration*, *9*, 20-30.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.52547/iueam.10.37.85]